

چراغی که خاموش شد
استاد رحیم رشتچی از نسل بنیان گذاران
آموزش عالی زنجان، به ابدیت پیوست
(سرچشمه ۵)

**اقتصاد، فرهنگ
و مسئولیت اجتماعی**
نگاهی به رویکرد مدیریتی
صمدیوسفی اصل
در اتاق بازرگانی زنجان
(قیصریه ۶)

چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۵ - ۲۲ جولای ۲۰۲۳ - ۷ صفر ۱۴۴۸ - سال بیست و سوم - ۸ صفحه - شماره ۴۹۰ - ۱۵۰۰۰ تومان

هنرمندگرسنه نوآوری نمی آفریند

گفت و گو با محمد تقی ارغوانی فرد
موزیسین و نوازنده‌ی سنتور

هفت حوض (۲)

زیست خوب در کنار مردم
تشریح برنامه‌های هفته‌ی بهزیستی و
عملکرد یکساله‌ی سازمان در استان زنجان
(اعلانات ۸)



هنرمند گرسنه، نوآوری نمی‌آفریند

گفت‌وگو با محمد تقی ارغوانی فرد، موزیسین و نوازنده‌ی سنتور

حسین نجاری

تلاش بی‌وقفه معلمانی است که آرام و بی‌ادعا، نسل‌های متوالی را با زبان موسیقی آشنا کرده‌اند.

آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی است با محمد تقی ارغوانی فرد؛ نوازنده و مدرس سنتور که از نخستین تجربه‌های خود با سازی که هدیه‌ی برادر بود، از سال‌های شاگردی در محضر استادان برجسته، از دشواری‌های آموزش موسیقی در دهه‌های گذشته و از جایگاه موسیقی در فرهنگ ایرانی سخن می‌گوید. گفت‌وگویی که بیش از آنکه روایت یک زندگی باشد، بازخوانی بخشی از تاریخ موسیقی معاصر زنجان و ادای احترام به نسلی از هنرمندان است که با مضراب‌هایشان، نه فقط سیم‌های سنتور، که حافظه‌ی فرهنگی یک شهر را به ارتعاش درآورده‌اند.

جناب ارغوانی، در اینکه دنیای بدون موسیقی بی‌تردید دورخی و وحشتناک است احتمال قریب به یقین همدلیم و شما بهتر از بنده می‌دانید ما موسیقی را بدوا و اصلاً از طبیعت دریافته و آموخته‌ایم و صدای طبیعت در زمره‌ی زیباترین، ماندگارترین و الهام‌بخش‌ترین موسیقی‌هاست، ولی می‌خواهم پیرسم موسیقی چه کارکرد اجتماعی فرهنگی تاریخی دارد و چه تأثیری بر روی تمدن بشری داشته است؟

در ابتدا باید بگویم که همت و بذل و توجه‌تان به مقوله‌ی هنر و موسیقی ستودنی است. همانطور که اشاره کردید دنیا بدون هنر و موسیقی و زیبایی‌هایش غیر قابل تصور و جهنمی بیش نمی‌تواند باشد. از صدای آبشارها، پرندگان، بارش باران تا ارکسترهای بزرگ موسیقی چه اصوات موزیکال و چه غیر موزیکال، منهای آلودگی‌های صوتی که اکثراً فرکانس‌های خارج از محدوده‌ی شنوایی انسان بوده و موجب رنجش و آزار و آسیب رساندن به سیستم شنوایی می‌شود. خاستگاه موسیقی به پنج تا هفت هزار سال پیش باز می‌گردد. و نخستین نشانه‌های مشخص ظهور آن در محدوده‌ی بین‌النهرین و نزد اقوام سومری، بابلی و آشوری یافت شده است. که به بیش از سه هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. در مغرب زمین، یونان در استفاده از موسیقی پیشگام بود. آنها خدای موسیقی و هنرهای زیبا را آپولون می‌نامیدند و به هر یک از الهه‌های زیبا موز می‌گفتند که واژه‌ی موسیقی از این اسم وام گرفته شده است. موسیقی نقش اساسی در تاریخ و تمدن بشر داشته و دارد. از تأثیرات موسیقی بر تمدن بشری

عمیقش به شیوه‌ی نوازندگی زنده‌یاد رضا ورزنده، او را به محضر استاد رحمت‌الله عنایتی، از شاگردان و همدان نزدیک آن استاد بزرگ، کشاند. این مسیر، تنها آموزش تکنیک نبود؛ انتقال یک مکتب، یک نگاه و نوعی جهان‌بینی هنری بود که از نسلی به نسل دیگر سپرده می‌شد.

ارغوانی فرد از سال ۱۳۳۳ آموزش اصولی و مبتنی بر نت‌نویسی سنتور را در زنجان آغاز کرد. در روزگاری که آموزش علمی موسیقی در شهرستان‌ها چندان رایج نبود و نگاه جامعه به هنر موسیقی با محدودیت‌ها و سوء تفاهم‌های فراوان همراه بود، او به همراه جمعی از دوستانش نخستین آموزشگاه موسیقی را راه‌اندازی کرد. هر چند استقبال اندک آن روزها ادامه فعالیت آموزشگاه را دشوار ساخت، اما چراغ موسیقی در محافل هنری خاموش نشد. او سال‌ها در دانشگاه‌ها، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزشگاه‌های آزاد موسیقی به تدریس پرداخت و همچنان نیز آموزش را مهم‌ترین رسالت خود می‌داند.

در نگاه او، موسیقی تنها مجموعه‌ای از قواعد، گوشه‌ها و دستگاه‌ها نیست. آنچه یک هنرمند را ماندگار می‌کند، اخلاق هنری اوست؛ همان درسی که از استادان و پیشکسوتان زنجان، از جمله استاد محمد قاسم رستم‌خانی و استاد وحیبه‌الله رستگار آموخته است. از نگاه او، صداقت، فروتنی، و ارستگی و احترام به شاگرد و استاد، به همان اندازه اهمیت دارد که تسلط بر ردیف یا مهارت در نوازندگی.

شاید زیباترین امتداد این مسیر را بتوان در خانواده‌ی او دید؛ جایی که موسیقی از یک علاقه‌ی شخصی به میراثی خانوادگی تبدیل شده است. نیما، فرزندش، نوازنده‌ی تنبک است و لیدا، دخترش، ویولن و قیچک می‌نوازد. چنین تداومی نشان می‌دهد که موسیقی، اگر با عشق و آگاهی همراه شود، تنها از طریق کتاب و کلاس منتقل نمی‌شود، بلکه در فضای خانه، در گفت‌وگوها، تمرین‌ها و زیستن روزمره نیز جریان می‌یابد.

زندگی هنری محمد تقی ارغوانی فرد، روایت شهرت‌های پرهیاهو نیست؛ روایت نسلی از هنرمندان است که بی‌آنکه در پی دیده شدن باشند، سال‌های عمر خود را صرف حفظ، آموزش و انتقال سرمایه‌های فرهنگی این سرزمین کرده‌اند. اگر امروز موسیقی زنجان از حضور ده‌ها نوازنده و هنرجوی توانمند بهره‌مند است، بی‌تردید بخشی از این سرمایه، حاصل

اشاره: موسیقی، پیش از آنکه هنر باشد، زبان مشترک انسان با جهان است؛ زبانی که پیش از واژه‌ها متولد شد و بی‌نیاز از ترجمه، غم، شادی، دل‌تنگی و امید را روایت کرد. اگر معماری را موسیقی منجمد دانسته‌اند، شاید بتوان موسیقی را معماری جاری احساس نامید؛ هنری که نه بر سنگ و آجر، بلکه بر زمان بنا می‌شود و تنها در لحظه‌ی شنیدن معنا می‌یابد. از همین رو، موسیقی در فرهنگ ایرانی همواره جایگاهی فراتر از سرگرمی داشته است. از نغمه‌های آیینی و مقام‌های کهن گرفته تا دستگاه‌ها و آوازهای موسیقی کلاسیک ایران، همگی حامل بخشی از حافظه‌ی تاریخی و هویت فرهنگی این سرزمین‌اند.

در میان سازهای ایرانی، سنتور جایگاهی ویژه دارد؛ سازی که با طنین زلال و شفاف خود، هم قابلیت روایت اندوه را دارد و هم توان تصویر کردن شور و سرزندگی را. ضربه‌های ظریف مضرب بر سیم‌ها، جهانی از رنگ‌های صوتی می‌آفریند و همین ویژگی، سنتور را به یکی از دشوارترین و در عین حال شاعرانه‌ترین سازهای موسیقی ایرانی تبدیل کرده است. شاید به همین دلیل است که هر نوازنده‌ی سنتور، علاوه بر مهارت تکنیکی، ناگزیر است به صبر، تأمل و ظرافت نیز مجهز باشد؛ زیرا این ساز بیش از هر چیز، آینه‌ی شخصیت نوازنده‌ی خویش است.

محمد تقی ارغوانی فرد از جمله هنرمندانی است که بیش از چهار دهه از عمر خود را وقف شناخت، آموزش و ترویج این ساز کرده است. او در سال ۱۳۴۱ در محله‌ی مسجدیثری پایین زنجان متولد شد؛ محله‌ای که بخشی از خاطره‌ی تاریخی و اجتماعی شهر را در خود جای داده است. نخستین آشنایی او با سنتور، نه در کلاس درس، بلکه در فضای خانواده شکل گرفت. برادرش، منصور ارغوانی فرد، در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ دانشجوی دانشکده‌ی افسری بود و در گروه موسیقی آن دانشکده سنتور می‌نواخت. صدای همان سنتور، نخستین جرقه‌ی علاقه را در ذهن کودکانی محمد تقی روشن کرد؛ جرقه‌ای که چند سال بعد، با هدیه گرفتن همان ساز از برادر، به مسیری جدی و ماندگار تبدیل شد.

او پس از فراگیری مقدمات نوازندگی، در سال ۱۳۵۹ راهی تهران شد و سال‌ها از محضر استاد رضا شفیعیان بهره برد. حضور در کلاس‌های استاد پیشنگ کامکار نیز افق‌های تازه‌ای را پیش روی او گشود، اما علاقه‌ی



می‌توان به ارتباط و بیان احساسات، تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی، ایجاد حس مشترک، تحریک و تشویق خلاقیت و نوآوری و تأثیر بر سلامت روان اشاره کرد.

موسیقی ما در مقایسه با موسیقی ملل دیگر چه جایگاهی دارد، آیا دنیا موسیقی ما را جدی می‌گیرد؟

به تعداد و وسعت فرهنگ‌ها، آداب و موقعیت جغرافیایی، تاحتی موقعیت سیاسی ممالک موسیقی وجود دارد. تعیین جایگاه یک نوع موسیقی برانواع دیگر آن کار بسیار دشوار و در حد سلیقه‌ی اشخاص است. در گستره‌ی موسیقی جهانی سهم انواع موسیقی‌ها یکسان است. مثلاً موسیقی غربی دقیقاً همان جایگاه را دارد که موسیقی بلوی قبایل آفریقا یا هر جای دیگری دارند. لازم است عرض کنم بنده با این که موسیقی زبان بین‌المللی است چندان موافق نیستم و با این نظر زاویه دارم. من اگر در کنار یک نوازنده‌ی غربی باشم، شاید متوجه شوم که قطعه‌ای که می‌نوازد در چه گامی هست، میزان و ریتم آن چیست، اما اگر غم و اندوهی در موسیقی او باشد، درک آن برایم مشکل است، زیرا با آن فرهنگ بیگانه‌ام و اینکه ابزار غم و اندوه و شادی و طرب توسط موسیقی‌اش به دلایل ناکامی‌ها و موفقیت‌های فردی است یا دردها و موفقیت‌های اجتماعی و آن چه بر سر کشورش آمده! به نظر می‌رسد موسیقی ما در مقایسه با ادبیات (شعر و داستان) و سینما

و تئاتر جا مانده و مثل هنرهای دیگر تن به تحول نسپرده است، و در این سال‌ها به ندرت می‌توان کار خلاقانه‌ای را از منظر ایده‌پردازی و اجرا مشاهده کرد، گویا حس خلاقانه‌ی ما در این حوزه سترون و عاری از شکفتگی و نوآوری شده، شما دلایل آن را در چه می‌دانید؟

قدمت سینما در جهان به سال ۱۸۹۵ باز می‌گردد که برادران لومیر دستگاه سینماتوگراف را اختراع کردند. تئاتر هم واژه‌ی یونانی به معنای تماشا کردن است که قدمت آن به ۷۰۰ سال قبل از میلاد بر می‌گردد. نخستین سروده‌ی به جا مانده از بشر، ریگ و دا هست که بین هزار تا پنج هزار سال قبل از میلاد به زبان سانسکریت و دومین سروده‌ی بشر و تمدن ایرانی، کاتاهای کاتاهای اوستا می‌باشد که پیش از جدایی آریایی‌ها به دو قوم ایران و هند سروده شده. برای پاسخ به سؤال شما باید تاریخ موسیقی ایرانی را بررسی کرد که به دو دوره‌ی قبل و بعد از اسلام تقسیم می‌شود. خب، طبعاً اول باید تحول تعریف شود و اینکه منظور از تحول در موسیقی ما چیست؟ افول یک هنر را کارشناسان دلسوز و آینده‌نگران می‌توانند تشخیص دهند. (البته هنر به معنی واقعی آن نه صدا و آثری عاری از محتوا و درونمایه‌ی هنری که امروز غالباً رواج دارد). این شنوندگان حرفه‌ای و هنرشناس و نیز سلیقه‌ی عمومی بالاست که تحول و نوآوری منطقی را از جامعه‌ی هنری مطالبه می‌کند همچنین تکنیک یک چیز است و تفکر چیز دیگری. نباید

مهارت در اجرا را به حساب تفکر گذاشت. عده‌ای گمان می‌کنند که اگر شعر را عوض کنند یا ملودی شعر را عوض کنند یا از ریتم و تمپوهای من‌درآوردی استفاده کنند، موسیقی خوب حاصل می‌شود. در حالی که موسیقی به خودی خود از یک بیان مستقل برخوردار است. و فهم موسیقی به عنوان یک هنر مستقل و صاحب یک زبان انتزاعی مطلقاً آموزش داده نشده و ما هیچ پیش‌زمینه‌ای از شناخت فهم درک موسیقی را نداریم. البته این معضل مربوط به دوره‌ی تاریخ جدید ماست که نه آن غریزه زلال و شفاف قدیمی را داریم و نه به خردورزی و شناخت دقیق علمی مجهز هستیم. مافقط عده‌ای برزخی هستیم و درگیر غم نان.

شما شرایط زندگی هنرمندان واقعی، وارسته و مستقل که به هیچ مافیایی وابسته نیستند را ببینید. نوآوری عقلانی که در چارچوب منطقی تعریف شده باشد، حاصل ذهنیت، تفکر و بینش هنرمند نیست که غم نان شب را ندارد. موسیقی امروز ما در مقایسه با دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که هر کدام از خواننده‌های ایرانی سبک خاص خودشان را داشتند و فارغ از بحث کیفیت و رعایت استانداردهای موسیقی دستگاهی، آثار متنوعی تولید می‌شد ولی امروز با نوعی سری‌دوزی مواجهیم، به نظر شما چرا دچار چنین وضعیتی شده‌ایم؟ امروز مادر سرآشینی اضمحلال فرهنگ قدیم هستیم. نه به گذشته تعلق داریم و نه به جهان امروزی. پژوهش و نقد هم که نبض حیات فرهنگ و هنر است، رسماً تعطیل است. عده‌ای انگشت‌شمار هم اکنون جان و مال خود را صرف پژوهش و چرایی‌ها کرده‌اند و می‌توانند راهنمای درستی در جهت نوآوری‌های متناسب با شرایط امروزی باشند، از جانب هیچ نهاد و تشکیلاتی حمایت نمی‌شوند که هیچ، در کارشان اختلال هم به وجود آورده و به اصطلاح، چوب لای چرخ‌شان گذاشته می‌شود. از طرفی مهم‌ترین مسئله‌ی دیروز، امروز و شاید فردای ما در عرصه‌ی هنر و موسیقی، گسترش روند بی‌هویتی و بی‌قیدی است چه اخلاقی، چه هنری هر پدیده‌ای چهارچوب، منطق و قوانینی دارد. نمی‌توان و نباید هر خزعبلاتی را به عنوان نوآوری قبول کرد و به خورد شنونده و علاقمندان به موسیقی داد که این به کج‌راه راندن و نوعی خیانت است و حاصل آن همان پایین نگه‌داشتن سلیقه‌ی عمومی و مهیا کردن شرایط برای درجا زدن و ارائه‌ی کارهای ضعیف و نحیف است. دلیل روشن آن هم معدل کارهای انجام شده و آثار تولید شده است که تقریباً هیچ اثر ماندگاری خلق نشده است. کارها و اجراها برای نام و نان است و بس! متولیان فرهنگ و هنر هم در ایجاد فضایی که موسیقیدانان را با صداقت و درد درونی خود بیگانه کرده و از او عنصری بسازد که به جای خلاقیت حقیقی، سری‌سازی و کپی‌کاری کرده و منش بساز بفروشی و تولید انبوه بی‌محتواری رواج دهد کمک‌شایانی می‌کنند.

همانطور که شما بهتر می‌دانید در گذشته مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی در راستای حمایت و بازسازی موسیقی اصیل دستگاهی ایران به وجود آمد. به نظر شما این مرکز و موسسه چه قدر موفق عمل کرده و امروز چه باید کرد؟ مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ایرانی یک نهاد فرهنگی، هنری بوده که در دهه‌ی ۴۰ برای حفظ و گسترش موسیقی ایرانی تأسیس شد. این مرکز با هدف احیای موسیقی ردیفی دوره‌ی قاجار و آموزش آن به نسل جوان شکل گرفت. با اما و اگرهایی که امروزه برای این مرکز اظهار می‌شود نقش مهمی در حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ایرانی داشت که امروز به مرکز حفظ و پژوهش موسیقی تغییر نام داده است. در سال ۱۳۴۷ دکتر داریوش صفوت این مرکز را تأسیس کردند و تا سال ۱۳۵۹ مدیریت آن را برعهده داشتند. از موسیقیدانانی چون نورعلی خان برومند هم در این مجموعه استفاده شد که به هنرجویان جوان مخصوصاً دانشجویان دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، آموزش داده می‌شد. بعدها به پیشنهاد رضا قطبی، هوشنگ ابتهاج به عنوان مدیر موسیقی به این مرکز پیوست که (بعدها انتقادات و اما و اگرهای طرح شد. هم بحق هم به ناحق) و با افرادی چون محمدرضا لطفی، محمدرضا شجریان، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان و... گروه‌شیدار تشکیل دادند. و نهایتاً با توجه به بایدها و نبایدها و انتقاداتی که هم آن زمان و هم اکنون به این مرکز وارد شده و می‌شود، به یقین کارنامه‌ی مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ایرانی آن زمان بسیار بهتر و قابل قبول‌تر از مرکز کنونی حفظ و پژوهش موسیقی ایرانی بوده و بحث و کالبد شکافی در مورد این مرکز فرصتی دیگر می‌طلبد.

از وضعیت و پیشینه‌ی موسیقی زنجان در این صد سال اخیر برای ما بگویید که پیشکسوتان این عرصه چه کسانی بوده‌اند و چه کارهایی کرده‌اند؟

پیشینه‌ی موسیقی زنجان و افرادی که از نزدیک یک قرن در این حیطه فعال بوده‌اند و زحمت کشیده‌اند و تأثیرگذار بوده‌اند، مبحث و زمانی مجزا لازم دارد ولیکن به صورت بسیار مختصر اگر به گوشه‌ای از آن بخواهم اشاره کنم، باید عرض کنم در سال ۱۳۱۶ آقای علی آقا پلوندپور که اصالتاً تبریزی بوده‌اند برای گشت و گذار به زنجان می‌آیند که حکایتی بسیار جالب و شنیدنی دارد... ادامه در صفحه‌ی ۴



زنجان شده است؟

به باور من، پیش از پرداختن به فقدان تهیه کننده، سرمایه گذار یا ناشر محلی، باید به موانع بنیادی تری اندیشید؛ موانعی که رشد، بالندگی و معرفی هنرمندان زنجان را در عرصه ملی با دشواری مواجه کرده اند.

خب بسیار عالی، نقش رسانه های محلی و شبکه های اجتماعی در معرفی چهره های تازه چقدر مؤثر بوده است؟

با تمام احترامی که به رسانه ها و مطبوعات محلی قائلم و تلاش های صادقانه ای آن ها را تحسین می کنم ولی باید بگویم نقش چندانی ایفا نکرده اند و صد البته برخورد رادیو و تلویزیون هم که بیرون از فضای هنر است و نیازی به بحث ندارد. به تعبیر خواجه ی شیراز: حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود/ با مدعی نزاع و محاکما چه حاجت است؟ این همه تبلیغات و بازار گرمی حتی در دانش و هنر، امروز نشان از افول هنر در جامعه ی بشری است.

معجونی از چند نوع موسیقی خلق گردد. و این کار بس دشوار است و لازمه اش وجود خرد جمعی هنری هماهنگ، صمیمی و غیر مسموم و کاربلد است.

چه گام هایی برای تبدیل زنجان به یکی از ظرفیت های موسیقی ایران باید برداشته شود؟

اینکه یکی از ظرفیت های موسیقی ایران بودن لازمه اش قدمت، پیشینه و چه بسا قرن ها زمان لازم دارد، همچون اصفهان، تهران، تبریز. با توجه به اینکه به اصطلاح مطلقاً منفی نگر و منفی یاف نیستیم، ولی آیا چنین چیزی در آینده ای نزدیک واقعاً ممکن است؟

منظورم آن جهشی است که موسیقی زنجان نیازمند آن است.

طبعاً این جهش حاصل تغییرات کمی به کیفی است و در یک پروسه ی طولانی مدت محقق می شود، به نظر شما این پیشینه و پتانسیل در زنجان بوده و هست؟ چه قدر فقدان تهیه کننده، سرمایه گذار و ناشر محلی، مانع از رشد هنرمندان

و آن اینکه در این مسافرت آقای پاوندپور به دوشیزه های علاقمند می شوند و با پیدا کردن آدرس منزل شان که دختر مش مصیب قناد (آقای مصیب اوجاقلو) از خانواده ی ایشان خواستگاری کرده و باهم وصلت می کنند و به همین دلیل در زنجان ماندگار می شوند و از آنجایی که نوازنده و استاد تار بوده اند از شاگردان استاد محمد حسن عذاری و علی اکبر خان شهنازی بوده و مدتی هم در باکو به تحصیل موسیقی مشغول بوده و تار ترکی را هم مسلط بوده اند. در سال ۱۳۱۹-۲۰ شروع به تدریس این ساز کرده و از اولین شاگردان ایشان می توان به استاد محمد قاسم رستم خانی، آقای ابوالفضل شاه محمدی و آقای وجیهه الله رستگار اشاره کرد که بعدها خیلی ها از جمله آقای اسدالله توکلیان و... از محضر ایشان استفاده کرده بودند. آقای پاوندپور که در زنجان به «مشدعلاقا» (علی آقا) معروف شده بودند صاحب ۶ فرزند می شوند که پسرهای ایشان به ترتیب کمال و جواد پاوندپور و دختران شان عصمت، رفعت، اختر و اعظم بوده اند که آقای جواد پاوندپور الان هم ساکن زنجان هستند. «مشدعلاقا» در سال ۱۳۳۶ دچار مشکل روی می شوند و در بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی تهران دارفانی را وداع گفته و در ابن بابویه در نزدیکی مقبره ی پهلوان غلامرضا تختی به خاک سپرده می شوند.

جناب اغوانی آیین ها و موسیقی های بومی زنجان (مثل آشیقی، تعزیه، یا نغمه های کار و آیینی) تا چه حد در شکل گیری موسیقی امروز این شهر اثر گذاشته اند؟

موسیقی فولکلور، از جمله موسیقی آشیقی، تعزیه و نغمه های آیینی، هر یک به عنوان سنت هایی مستقل، از غنا و ارزش فرهنگی فراوانی برخوردارند. با این حال، تا آنجا که من اطلاع دارم، این گونه های موسیقایی نقش مستقیمی در شکل گیری موسیقی ای که امروز در زنجان اجرا می شود، نداشته اند. مگر آنکه در آینده، برخی هنرمندان با تنظیم و بازآفرینی این میراث، آثاری خلق کنند که آمیزه ای از موسیقی فولکلور محلی و موسیقی متداول ایرانی باشد.

آیا زبان و گویش بومی در ضعف یا قوت انتقال موسیقایی نقش داشته است؟

تکلم مردم زنجان به زبان ترکی و هم مرز بودن این استان با آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل، که از خاستگاه های اصلی موسیقی آشیقی به شمار می روند، بی تردید در بالندگی و استمرار این سنت موسیقایی نقش مؤثری داشته است. زبان و ادبیات ترکی از ارکان بنیادین موسیقی آشیقی است و در شکل گیری، تداوم و پویایی آن نقشی انکارناپذیر ایفا کرده است. البته این موضوع نیز در حوزه ی موسیقی محلی قابل بررسی و تحلیل است.

نقش نهادهای رسمی در شکل گیری فضای هنری چه قدر واقعی و پایدار بوده است؟

در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه در اروپا، بخش مهمی از فعالیت های فرهنگی و هنری در حوزه وظایف و مسئولیت های شهرداری ها تعریف می شود. هنرمندان نیز در فضایی غیرانحصاری، غیرسیاسی و رقابتی، امکان فعالیت آزادانه دارند. دولت نیز وظیفه دارد با سیاست گذاری صحیح و فراهم آوردن زیرساخت ها، زمینه مشارکت سالم و رقابتی بخش خصوصی را در تولید و عرضه آثار هنری، از جمله موسیقی، فراهم کند. متأسفانه در ایران، این حوزه به دلایل گوناگون با پیچیدگی ها، انحصارها و نابسامانی هایی روبه روست که مانع شکوفایی کامل ظرفیت های هنری شده است.

آیا سیاست های فرهنگی کشور به طور کلی به تمرکزگرایی در تهران دامن زده و شهرهایی چون زنجان را در حاشیه نگه داشته است؟

نه. این مسئله صرفاً به سیاست های فرهنگی محدود نمی شود. تقریباً در همه حوزه ها، از صنعت و اقتصاد گرفته تا پزشکی، هنر و رسانه، تمرکز تصمیم گیری های کلان در تهران است. این تمرکز، به تدریج به شکل گیری شبکه های غیررسمی قدرت، روابط نامتوازن و انحصار در عرصه های مختلف، از جمله هنر و موسیقی، انجامیده است. در چنین شرایطی، هنرمند مستقل، توانمند و حرفه ای بیش از دیگران آسیب می بیند و فرصت رقابت عادلانه را از دست می دهد. مسلماً جو هنری مسموم ایجاد شده و موجب تشکیل مافیا در رشته های مختلف هنری از جمله موسیقی را خواهد شد چنانکه سال ها است این امر را شاهدیم.

چطور می توان میان موسیقی سنتی، محلی و مدرن، پلی خلاقانه زد تا هویت زنجان در آن جلوه کند؟

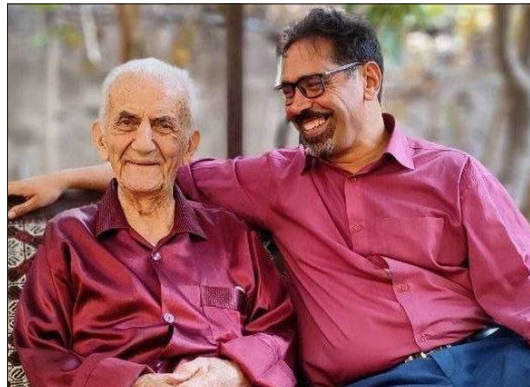
این سؤال چندوجهی است. اگر هویت زنجان را منهای خصوصیات اخلاقی، زبان و منش های فردی و اجتماعی در آثار باستانی، جاهای دیدنی، صنایع دستی از قبیل مس، فرش، چاقو، چارق و غیره، موسیقی فولکلور محلی و الحان محلی، آواهای آیینی و تعزیه ها و... در نظر بگیریم، یک مجموعه یا سریال طولانی لازم است که از فرم های مختلف موسیقی متناسب با صحنه های آن به صورت جداگانه با استفاده از سازهای محلی و ملی، ملودی هایی نوشته و تنظیم گردد که در آن به قول شما



چراغی که خاموش شد

استاد رحیم رشتچی؛ از نسل بنیان‌گذاران آموزش عالی زنجان به ابدیت پیوست

رضا قاسم‌پور
روزنامه‌نگار و پژوهشگر فرهنگی



گسترده‌دانشگاهیان، فرهیختگان، هنرمندان و دوستانان فرهنگ و تاریخ زنجان رویه‌رو شد. امروز این اثر، نه تنها یک مستند، بلکه بخشی از حافظه تاریخی آموزش عالی و فرهنگ معاصر زنجان به شمار می‌آید.

خبر درگذشت استاد رحیم رشتچی، از بنیان‌گذاران دانشگاه زنجان، معلمی وارسته و از چهره‌های ماندگار آموزش و پرورش زنجان، اندوهی عمیق بر جامعه علمی فرهنگی نشاناد.

این مرد بزرگ که نزدیک به نیم قرن از عمر پربرکت خویش را در تهران و کرج سپری کرد، امروز ۳۰ تیرماه در سن ۹۶ سالگی، در عظیمیه کرج، دعوت حق را لبیک گفت و پس از عمری سرشار از تعلیم، پژوهش، فرهنگ‌سازی و خدمت‌بی‌منت، به سرای جاودان شتافت.

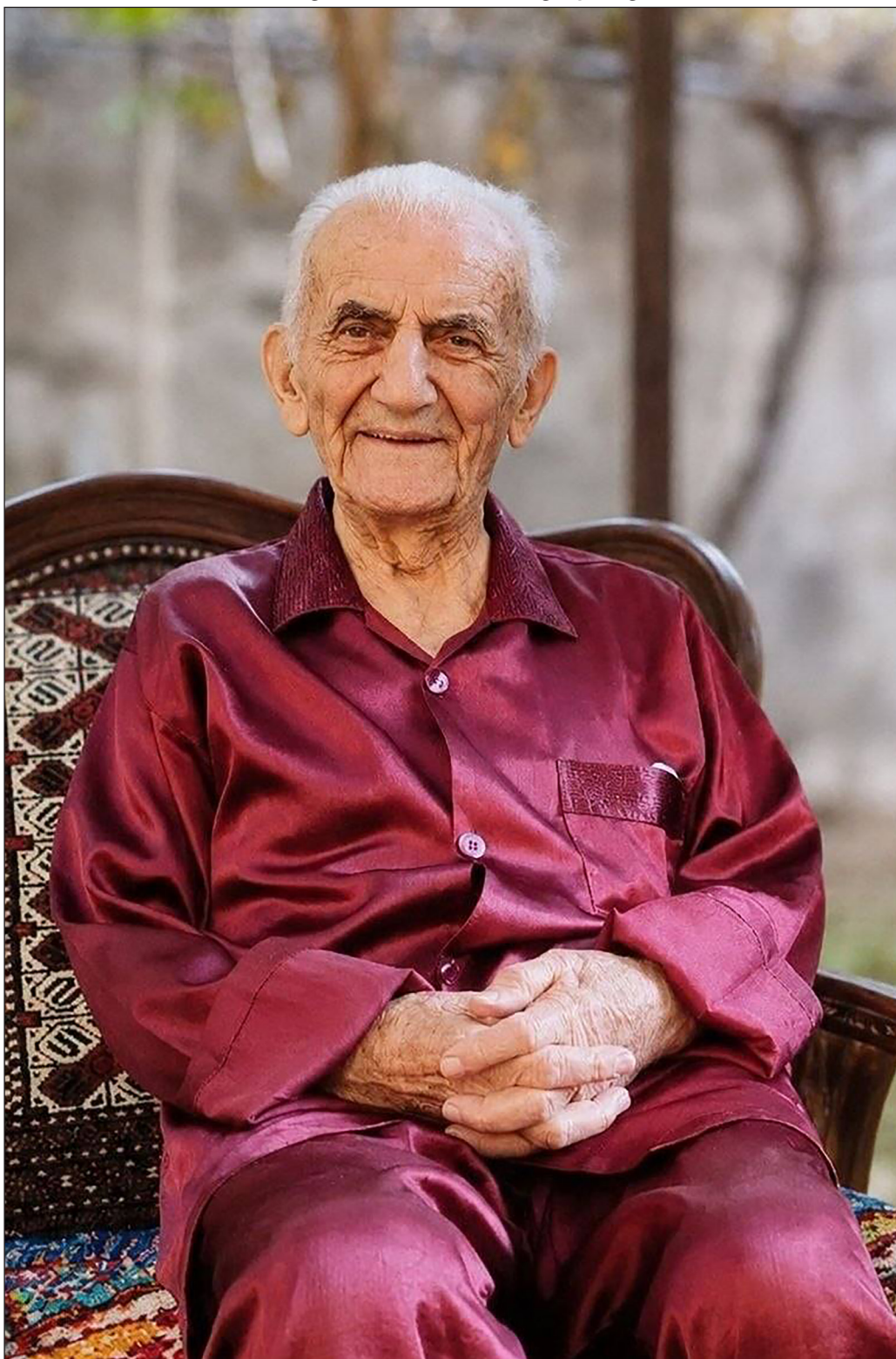
استاد رحیم رشتچی از نسل مردانی بود که دانشگاه را نه صرفاً مجموعه‌ای از کلاس‌ها و ساختمان‌ها، بلکه کانون اندیشه، اخلاق، خردورزی، هویت‌سازی و انسان‌پروری می‌دانست. او از بنیان‌گذاران دانشگاه زنجان بود و سهمی ماندگار در پایه‌گذاری و استحکام یکی از مهم‌ترین مراکز علمی شمال غرب ایران داشت؛ سهمی که در تاریخ آموزش عالی این سرزمین با احترام و افتخار ثبت خواهد ماند.

آن استاد فرزانه، افزون بر دانش ژرف و تجربه‌ای گران‌سنگ، بر زبان‌های فرانسه، ترکی، فارسی و عربی تسلط داشت و با اتکاب به این پشتوانه علمی، همواره در پیوند میان فرهنگ‌ها، زبان‌ها و نسل‌ها نقشی مؤثر ایفا می‌کرد. وسعت دانش، نجابت ذاتی، فروتنی، اخلاق‌مداری، سعه صدر و عشق به ایران و زادبومش، از او شخصیتی ممتاز و الهام‌بخش ساخته بود؛ شخصیتی که احترام همگان، از دانشگاهیان تا اهالی فرهنگ و ادب، را برمی‌انگیخت و از معلمان استاد حسین منزوی سلطان غزل معاصر در زنجان بود.

شادروان رشتچی همچنین از بنیان‌گذاران مؤسسه فرهنگی و هنری اشراق البرز، تشکل زنجان‌های مقیم استان البرز، بود و سالیان متمادی با دغدغه حفظ هویت فرهنگی، تقویت همبستگی اجتماعی و حمایت از فعالیت‌های علمی و فرهنگی زنجانیان، در این مجموعه حضوری مؤثر و راهگشا داشت.

برای نگارنده نیز افتخاری فراموش‌نشدنی است که در سال ۱۳۹۷، به همراه دوست ارجمند مصطفی ارفعی مدیر مسئول روزنامه‌زنگان امروز گفت‌وگویی مفصل با آن استاد فرهیخته انجام دادیم که در آن روزنامه منتشر شد. امروز آن گفت‌وگو، فراتر از یک مصاحبه مطبوعاتی، به سندی ارزشمند از خاطرات، اندیشه‌ها و روایت‌های یکی از معماران آموزش عالی زنجان تبدیل شده است.

در ادامه این مسیر، توفیق یافتیم به همراه مهدی حسینی و مجتبی جعفرلو، مستند یک‌ساعته «تاریخ شفاهی استاد رحیم رشتچی» را تهیه و تولید کنیم؛ اثری که به کارگردانی اینجانب، تصویربرداری، عکاسی و تدوین مجتبی جعفرلو و با همکاری مهدی حسینی، زندگی، خاطرات، خدمات و دیدگاه‌های این استاد بزرگ را روایت می‌کند. این مستند در آیین نکوداشت استاد در سال ۱۴۰۲ برای نخستین بار اکران شد و با استقبال



همچنین در سال ۱۴۰۲، با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز و مجموعه زنجان‌های مقیم البرز، توفیق برگزاری آیین نکوداشت استاد رحیم رشتچی را به دبیری اینجانب و با حضور جمعی از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور از جمله پروفسور نصیری قیداری، دکتر زالی وزیر اسبق کشاورزی، استادان دانشگاه، فرهیختگان، مدیران فرهنگی و دوستانان علم و فرهنگ، داشتیم؛ آیینی باشکوه که در حقیقت پاسداشت یک عمر مجاهدت علمی، فرهنگی و اخلاقی بود.

در روزهای اخیر نیز دکتر غلامعلی حداد عادل با حضور بر بالین استاد، ضمن عیادت از ایشان، خاطرات مشترک خود با زنده‌یاد استاد روزیه زنجان را مرور کردند؛ دیداری که بیش از هر چیز، بیانگر منزلت علمی و اخلاقی استاد رشتچی در میان بزرگان فرهنگ و اندیشه ایران بود. و در سال‌های اخیر باز دیدی از مجموعه فاخر تحصیلات تکمیلی داشته و با پروفسور ثبوتی از هم‌کلاسی‌های دوره‌ی ابتدایی استاد دیدار و گفتگو

داشتیم. سال گذشته در رویداد گپ با حضور مهندس دادگو شهردار اسبق کرج و از شاگردان وی از استاد رشتچی در مهر دادمال عظیمیه تجلیل گردید.

در سال‌های پایانی عمر، این استاد گرانقدر با عشق، دلسوزی و مراقبت شبانه‌روزی دختر فرهیخته‌شان، سرکار خانم دکتر ناهید رشتچی، روزگار را سپری کردند؛ همراهی‌ای سرشار از مهر، وفاداری و فداکاری که نمونه‌ای درخشان از تکریم مقام پدر و قدردانی از یک عمر خدمت صادقانه به علم و فرهنگ بود.

مراسم تشییع، تدفین و آیین‌های ترحیم و بزرگداشت آن مرحوم، متعاقباً از سوی خانواده محترم اطلاع‌رسانی خواهد شد.

بی‌تردید، استاد رحیم رشتچی از شمار انسان‌هایی بود که میراث حقیقی آنان نه در عناوین و مناصب، بلکه در شاگردانی است که پرورش دادند، اندیشه‌هایی که بر جای گذاشتند و منش و الایی که به نسل‌های پس از خود آموختند. نام او با تاریخ دانشگاه زنجان، با فرهنگ این دیار و با خاطره نسل‌های متوالی دانشجویان و استادان، پیوندی ناگسستنی خواهد داشت.

استاد رحیم رشتچی رفت، اما چراغی که او با دانش، اخلاق و عشق به ایران برافروخت، خاموش‌شدنی نیست. مردان بزرگ، با رفتن از میان ما نمی‌روند؛ آنان در خاطره شاگردان، در تاریخ سرزمینشان و در ثمره خدمات خویش جاودانه می‌مانند.

اینجانب، درگذشت این استاد فرهیخته و سرمایه گران‌سنگ علمی و فرهنگی را به خانواده معزز رشتچی، جامعه دانشگاهی کشور، مردم شریف زنجان و البرز، شاگردان، همکاران، دوستان و همه ارادتمندان آن فقید سعید تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال برای آن عزیز سفرکرده، رحمت واسعه الهی، علو درجات، همنشینی با صالحان و برای بازماندگان، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.

روح استاد رحیم رشتچی شاد، یادش جاودان و راهش پررهور باد.

رئیس اتاق بازرگانی زنجان: استان، ظرفیت جهش اقتصادی را دارد

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی زنجان گفت: زنجان ظرفیت لازم برای جهش اقتصادی را دارد و تنها نیازمند توجه و حمایت در سطوح تصمیم‌گیری کلان کشور است.

به گزارش ایرنا، صمد یوسفی اصل روز یکشنبه در جلسه شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی با تحلیل جامع از وضعیت استان، افزود: باید برای ایجاد پل ارتباطی میان مدیران کشور و ظرفیت‌های بومی استان اقدام کرد که زمینه‌ساز ایجاد فضای اعتماد و مطالبه‌گری برای توسعه استان خواهد شد.

یوسفی اصل با اشاره به ظرفیت‌های صنعتی و تولیدی استان، افزود: زنجان استانی با تنوع صنعتی بالاست و وجود زیرساخت‌های بزرگ و شرکت‌های معتبر در استان موجب شده زنجان در حوزه های تولیدی صاحب‌نام و دارای حرف برای گفتن باشد.

وی با اشاره به ظرفیت‌های نساجی استان، اظهار داشت: وجود کارخانجات بزرگ و فعال در

این حوزه، زنجان را به یکی از قطب‌های نساجی کشور تبدیل کرده است. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی زنجان با اشاره به صنعت روی



زنجان، گفت: زنجان با تکیه بر معدن انگوران (بزرگترین معدن خاورمیانه)، خاستگاه حدود ۸۰ درصد از تولید صنعت روی در کشور است.

وی به ظرفیت‌های صنایع دستی استان، گفت: شهرت جهانی چاقوی زنجان و ثبت جهانی ملیله در کنار صنعت مس، زنجان را به قطب صنایع دستی کشور تبدیل کرده است.

یوسفی اصل ظرفیت‌های کشاورزی و دامی شهرستانهای استان را یادآور شد و خاطر نشان کرد: شهرستان طارم، قطب تولید زیتون در سطح ملی، شهرستان ماهنشان، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان شیلات در کشور، شهرستان خدابنده، دارای ظرفیت‌های شاخص در محصولات کشاورزی متنوع و شهرستان های ابهر و خرمدره نیز دارای کارخانجات بزرگ صنعتی و قطب تولید و صادرات کشمش است.

به گفته رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی زنجان، شهر هیدج، قطب تولید کشش بچگانه در سطح کشور به شمار می رود که نگاه ویژه به این ظرفیت‌های می تواند در روند توسعه استان نقش آفرینی بسیار موثری داشته باشد.

اقتصاد، فرهنگ و مسئولیت اجتماعی

نگاهی به رویکرد مدیریتی صمد یوسفی اصل در اتاق بازرگانی زنجان

حسین نجاری

نشان‌دهنده تلاش برای گشودن مسیرهای تازه تجاری برای فعالان اقتصادی استان است. چنین اقداماتی، علاوه بر تسهیل صادرات، می تواند دسترسی تولیدکنندگان زنجانی به بازارهای جدید را افزایش دهد و ریسک و وابستگی به بازارهای محدود را کاهش دهد.

اما توسعه، تنها به اقتصاد محدود نمی‌شود. تجربه کشورهای موفق نشان داده است که رشد اقتصادی بدون سرمایه اجتماعی و فرهنگ کار، پایداری چندانی ندارد. از همین منظر، توجه به فرهنگ کارآفرینی و ارج نهادن به کارآفرینان نیز از برنامه‌های اتاق بازرگانی زنجان بوده است. اجرای برنامه «کارآفرین سپاس» با هدف تقدیر از پیشکسوتان و کارآفرینان استان، تلاشی برای تبدیل کارآفرینی به یک ارزش فرهنگی است؛ زیرا جامعه‌ای که کارآفرینان خود را ارج می‌نهد، انگیزه بیشتری برای تولید، نوآوری و اشتغال آفرینی خواهد داشت.

از زاویه‌ای دیگر، اقتصاد و آسیب‌های اجتماعی نیز ارتباطی مستقیم با یکدیگر دارند. هر اندازه فرصت‌های شغلی افزایش یابد، سرمایه‌گذاری رونق بگیرد و تولید توسعه پیدا کند، زمینه بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، از جمله بیکاری، فقر و مهاجرت نیروهای متخصص کاهش می‌یابد. هر چند حل این مسائل تنها در اختیار اتاق بازرگانی نیست، اما تلاش برای بهبود فضای کسب‌وکار، حمایت از تولید و جذب سرمایه، می‌تواند سهمی مؤثر در کاهش ریشه‌های اقتصادی این آسیب‌ها داشته باشد. همچنین تأکید بر گفت‌وگو میان دولت و بخش خصوصی، انتقال مطالبات فعالان اقتصادی و پیگیری موانع تولید، از دیگر رویکردهایی است که می‌تواند به بهبود محیط کسب‌وکار بینجامد. تجربه نشان داده است که توسعه اقتصادی، بیش از آنکه به تصمیم‌های مقطعی وابسته باشد، نیازمند ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد متقابل میان سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی است؛ موضوعی که صمد یوسفی اصل نیز بارها بر آن تأکید کرده است.

بی‌تردید، از زیبایی‌نهایی عملکرد هر مدیر، نیازمند گذشت زمان و بررسی شاخص‌های عینی مانند میزان سرمایه‌گذاری، رشد صادرات، ایجاد اشتغال، بهبود فضای کسب‌وکار است. با این حال، آنچه در عملکرد اتاق بازرگانی زنجان در این دوره بیش از هر چیز به چشم می‌آید، تلاش برای تبدیل این نهاد به پلی میان صنعتگران، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و بازارهای داخلی و خارجی است؛ پلی که اگر مستحکم‌تر شود، می‌تواند سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری، تقویت تولید و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی مردم استان داشته باشد.

اقتصاد، در نهایت، فقط مجموعه‌ای از اعداد و نمودارها نیست؛ اقتصاد یعنی امید به آینده، امنیت شغلی، امکان کارآفرینی و احساس تعلق به سرزمینی که فرصت رشد را برای فرزندان خود فراهم می‌کند. هر اقدامی که این امید را تقویت کند، صرفاً یک دستاورد اقتصادی نیست، بلکه سرمایه‌ای اجتماعی و فرهنگی برای آینده استان خواهد بود.

دوستان و سروران عزیز و ارجمند جناب آقایان دکتر رضا دینی و دکتر زین العابدین صفوی

مصیبت وارده را به شما دوستان گرانمایه تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن عزیز از دست رفته رحمت و مغفرت و برای یکایک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزو مندیم
موج‌پیداری

همکار گرامی جناب آقای حاج حسنعلی نجفی

مصیبت وارده را به شما دوست و همکار شریف تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن عزیز از دست رفته رحمت و مغفرت و برای یکایک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزو مندیم
موج‌پیداری

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت تکبرگی شش‌دانگ زمین مسکونی به پلاک ثبتی ۲ فرعی از ۱۲۹ اصلی واقع در بخش ۱ زنجان به شماره چاپی ۳۲۶۰۰۴-الف/ ۱۴۰۰ به آدرس زنجان، خیابان امام میدان انقلاب کوچه حاجی شامی (شهید صادقی) به نام مرحوم آقای علی طاهری فرزند بداله به شماره ملی ۹۷۱۶۹۲۰۹۷۲۸۰ صادره از زنجان صادر و تسلیم گردیده است، سپس ورثه مرحوم باستناد گواهی انحصار وراثت شماره ۱۰۲۸۴۵۳۷۴۷ - ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ صادره از سازمان ثبت احوال کشور با ارائه دو برگ استشهادیه مصدق، مدعی مفقود شدن سند مالکیت به علت سهل انگاری گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت آگهی می‌گردد تا هر کس به نحوی از انحاء ادعایی نسبت به ملک مذکور دارد یا معاملاتی به نفع آنها انجام شده است از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید در غیر اینصورت سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد.

اسحق بیگدلی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت تکبرگی شش‌دانگ یک باب عمارت مسکونی به پلاک ثبتی ۱۳۸۱ فرعی از ۵۳۰۰ اصلی واقع در بخش یک زنجان به شماره چاپی ۴۵۳۳۵۷-الف/ ۹۰ به آدرس زنجان، اسلام آباد خیابان شهید جبار جهانگیری پلاک ۱۵۱ به نام آقای محرم (آرش) محرمی مفرد فرزند احمد به شماره ملی ۳۷۸۲۵۵۰۳۴۱ صادره از بیجار صادر و تسلیم گردیده است، سپس باستناد گواهی سند قطعی شماره ۲۴۱ - ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ دفتر ۱۵۱ زنجان مقدار ۳/۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ آن به آقای حسین بیات فرزند محمد به شماره ملی ۴۲۷۱۰۸۸۴۶ منتقل گردیده است، حال خریدار با ارائه دو برگ استشهادیه مصدق، مدعی مفقود شدن سند مالکیت به علت سهل انگاری گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت آگهی می‌گردد تا هر کس به نحوی از انحاء ادعایی نسبت به ملک مذکور دارد یا معاملاتی به نفع آنها انجام شده است از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید در غیر اینصورت سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد.

اسحق بیگدلی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت دفترچای دو دانگ از شش‌دانگ مغازه تجاری به پلاک ثبتی ۱۶ فرعی از ۶۴۵ اصلی واقع در بخش ۲ زنجان به شماره چاپی ۰۴۸۱۱۲-الف/ ۸۰ به آدرس زنجان، خیابان امام چهار راه صدر جهان ابتدای خیابان موسی صدر به نام مرحوم آقای علی طاهری فرزند بداله به شماره ملی ۹۷۱۶۹۲۰۹۷۲۸۰ صادره از زنجان صادر و تسلیم گردیده است، سپس ورثه مرحوم باستناد گواهی انحصار وراثت شماره ۱۰۲۸۴۵۳۷۴۷ - ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ صادره از سازمان ثبت احوال کشور با ارائه دو برگ استشهادیه مصدق، مدعی مفقود شدن سند مالکیت به علت سهل انگاری گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت آگهی می‌گردد تا هر کس به نحوی از انحاء ادعایی نسبت به ملک مذکور دارد یا معاملاتی به نفع آنها انجام شده است از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید در غیر اینصورت سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد.

اسحق بیگدلی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه دو زنجان

اطلاعیه

به استحضار هم‌استانی‌های عزیز می‌رساند، با توجه به ضرورت حفظ پایداری شبکه سراسری برق و با هدف مدیریت بهینه مصرف، برنامه خاموشی‌های احتمالی به صورت چرخشی و با اولویت توزیع عادلانه اعمال می‌گردد. در همین راستا، توجه به نکات ذیل الزامی است:

تغییرات احتمالی در برنامه‌ها:

شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان، تمام تلاش خود را جهت اطلاع‌رسانی برنامه‌های مدیریت بار حداقل ۷۲ ساعت پیش از اعمال محدودیت به‌کار می‌گیرد. با این حال، به دلیل ناپایداری شرایط جوی و تغییرات لحظه‌ای در سهمیه ابلاغی از سوی شرکت توانیر برای حفظ پایداری شبکه، ممکن است برنامه‌های اعلام‌شده با تغییرات احتمالی (حداکثر ۲۴ ساعت قبل) مواجه گردند.

استعلام روزانه:

از کلیه مشترکین محترم تقاضا می‌شود جهت اطلاع از زمان‌بندی دقیق محدودیت‌ها، به صورت روزانه تنها از مراجع رسمی زیر اقدام نمایند. تأکید می‌گردد از استناد به اطلاعات غیررسمی و انتشار شایعات در فضای مجازی خودداری شود:



ios



android



نصب اپلیکیشن **برق‌من**
bargheman.com/mobile-app



بازوی **برق‌من** در پیام‌رسان بله
ble.ir/BarghemanBot



پایگاه اینترنتی توزیع برق استان زنجان
www.zedc.ir

زیست خوب در کنار مردم

تشریح برنامه‌های هفته‌ی بهزیستی و عملکرد یکساله‌ی سازمان در استان زنجان

قرار گرفتند و بیش از ۱۱ هزار نفر نیز از خدمات مراکز اورژانس اجتماعی استان بهره‌مند شدند.

کرمی با اشاره به افزایش مشارکت‌های مردمی در سال گذشته گفت: با همراهی خیران، صاحبان صنایع و نیکوکاران، میزان جذب مشارکت‌های مردمی نسبت به سال قبل بیش از ۷۵ درصد افزایش یافت و این موضوع نقش مهمی در توسعه خدمات حمایتی به جامعه هدف داشته است. وی تصریح کرد: همچنین در حال حاضر ۳۵ مرکز مثبت زندگی در سطح استان فعال هستند و بیش از ۱۴ هزار پرونده حمایتی از طریق این مراکز مدیریت و خدمات مورد نیاز به مددجویان ارائه می‌شود. وی در ادامه با اشاره به اقدامات بهزیستی در



مدیرکل بهزیستی استان زنجان از آغاز برنامه‌های هفته بهزیستی با شعار «بهزیستی؛ کنار مردم» خبر داد و گفت: همزمان با چهل و ششمین سالگرد تأسیس سازمان بهزیستی و هفته بهزیستی، ۴۴ پروژه شامل ۱۸ طرح اشتغال‌زایی و ۲۶ واحد مسکن مددجویی در سطح استان به بهره‌برداری می‌رسد و مجموعه‌ای از برنامه‌های خدماتی، فرهنگی و اجتماعی برای جامعه هدف و عموم مردم برگزار خواهد شد.

به گزارش موج بیداری، مریم کرمی در نشست خبری به مناسبت هفته بهزیستی اظهار کرد: امسال همزمان با چهل و ششمین سالگرد تأسیس

سازمان قرار دارند که این تعداد حدود هشت درصد خانوارهای استان را شامل می‌شود که از این تعداد، ۵۸ درصد مستمری‌بگیر بوده و از خدمات مستمر برخوردار هستند و ۴۲ درصد نیز از خدمات غیرمستمر بهره‌مندی شوند. وی با تأکید بر اینکه خدمات بهزیستی تنها محدود به افرادی که پرونده نیست، تصریح کرد: بخش قابل توجهی از خدمات این سازمان از جمله مشاوره تلفنی و حضوری، خدمات خط ۱۴۸۰، برنامه‌های پیشگیری از معلولیت‌ها، آموزش‌های مهارت‌های زندگی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی برای عموم مردم ارائه می‌شود.

مدیرکل بهزیستی استان زنجان در تشریح عملکرد یک سال گذشته این مجموعه نیز گفت: در این مدت ۱۶۵ واحد مسکن به مددجویان واگذار شده و بیش از ۸۰۰ نفر از تسهیلات اشتغال‌زایی، بیمه خویش‌فرمایی و بیمه کارفرمایی بهره‌مند شده‌اند؛ همچنین مرکز توانمندسازی و صیانت اجتماعی ویژه بانوان بهبودیافته از اعتیاد نیز در استان راه‌اندازی شده است.

وی ادامه داد: سال گذشته بیش از ۶۰ هزار نفر از خدمات غربالگری بینایی، شنوایی و برنامه‌های پیشگیری از معلولیت‌ها استفاده کردند، نزدیک به سه هزار نفر در کمیسیون‌های تشخیص نوع و شدت معلولیت مورد ارزیابی

سازمان بهزیستی، برنامه‌های هفته بهزیستی از ۲۴ تا ۳۰ تیرماه با شعار «بهزیستی؛ کنار مردم» در سراسر استان برگزار می‌شود.

وی با بیان اینکه برنامه‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی و خدماتی برای این هفته پیش‌بینی شده است، افزود: دیدار با نماینده ولی فقیه در استان و استاندار زنجان، غبارروبی و عطف‌افشانی مزار شهدا، برگزاری نشست با کارکنان، استقرار میز خدمت در مصالای نماز جمعه، ارائه خدمات مشاوره رایگان، استقرار خودروهای اورژانس اجتماعی، بازدید از خانواده‌های تحت پوشش و افتتاح پروژه‌های عمرانی و اشتغال‌زایی از جمله مهم‌ترین برنامه‌های هفته بهزیستی خواهد بود.

مدیرکل بهزیستی استان زنجان با اشاره به پروژه‌های قابل افتتاح در این هفته گفت: ۱۸ طرح اشتغال‌زایی و ۲۶ واحد مسکن ویژه مددجویان به بهره‌برداری می‌رسد و همچنین مرکز نگهداری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست پسر در دو گروه سنی ۱۲ تا ۱۳ سال و ۱۳ تا ۱۸ سال که با مشارکت خیرین احداث شده است، افتتاح خواهد شد.

کرمی با اشاره به جامعه هدف بهزیستی در استان اظهار کرد: در حال حاضر بیش از ۹۱ هزار نفر به همراه اعضای خانواده خود تحت پوشش خدمات این

